

حسین استادولی

لغزشگاههای ترجمه قرآن کریم

قسمت دوم

در مقاله گذشته وعده دادیم که: مواردی را که دیده شده در ترجمه های قرآن کریم، قلم مترجمان لغزیده یا امکان لغزش مترجمان آینده می رود، به ترتیب سوره های قرآن یاد کنیم. پیش از پرداختن به اصل مطلب، ذکر نکات زیر ضروری می نماید:

۱. در این نوشتار، بنابر آن است که لغزشهای مسلم و قابل قبول همه مفسران یاد شود؛ از این رو از مواردی که اختلاف نظر در معنای آیه به اختلاف نظر و سلیقه و فهم از آیه مربوط می شود، صرف نظر می گردد. مثلاً این که کلمه «مصرأ» در آیه ۶۱ بقره، نکره است و یا علم که باید «شهری» ترجمه شود یا «سرزمین مصر» و یا کلمه «خاسئین» در آیه ۶۵ بقره که خبر دوم کونوا است یا صفت قرده و امثال اینها که مورد اختلاف مفسران است، در این مقالات یاد نمی گردد، گرچه خود نظر راجحی نسبت به یک طرف داشته باشیم. پوشیده نیست که در قرآن کریم، کمتر آیه ای به چشم می خورد که وجه مخالف مشهوری درباره آن نگفته باشند و اگر بخواهیم این نکته را در نظر بگیریم شاید بتوان گفت: کمتر لغزشی می توان در ترجمه ها یافت.^۱

۲. مواردی که ذکر می شود بدین معنی نیست که تمام مترجمان اشتباه کرده اند، بلکه اشتباهات در مواردی «اتفاقی»، در برخی موارد «اکثری» و در مواردی دیگر «اقلی» است.

۳. نظر به بند (۱) بدان جهت که موارد مذکور قابل تردید نیست، لذا لزومی دیده نشد که مدارك ذکر شود، مگر در بعضی موارد که ضرورتی اقتضا کند.

۴. آن جا که ترجمه غلط آیه ذکر می شود، بنابر آن نیست که متن ترجمه ها آورده شود و به نام مترجمان اشاره رود، زیرا موجب تطویل مقاله و ملالت آن بزرگان خواهد شد.

بنابراین، همان جای غلط از روی یکی از ترجمه‌ها آورده شده و صحیح آن نیز، ذکر می‌گردد. با توجه به نکات فوق، یک نمونه از سوره مبارکه بقره (آیه ۱۹) در مقاله گذشته ارائه شد، اینک به همان سبک، در سوره بقره، مطلب را دنبال خواهیم کرد:

«وان یأتوکم اساری تفادوهم»^۲

و اگر به اسارت شما در آیند در برابر آزادیشان فدیة می‌گیرید.

در این ترجمه آیه درست برعکس ترجمه است، زیرا مراد آن است که در برابر آزادی شان فدیة می‌دهید.

توضیح آن که: آن گونه که در تفاسیر آمده است: خداوند از یهودیان پیمان گرفته بود که به کشتار یکدیگر دست نیازند و یکدیگر را از شهر و دیار خویش بیرون نرانند و اگر برخی از آنان اسیر دشمنی شد گروه آزاد، اسیران همکیش خود را بازخرند. یهودیان، این دستور الهی را تجزیه کرده به بخشی عمل نمودند، یعنی به کشتار هم می‌پرداختند و گروهی با دشمن گروه دیگر همدست می‌شدند؛ ولی به بخش دیگر که باز خرید اسیران یهودی بود عمل کردند. در این آیه شریفه خداوند، یهودیان را بدین تجزیه در حکم خدا نکوهش فرموده است. باید دانست در شأن نزول این آیه، نظرات گوناگونی ابراز شده، ولی ماحصل همه آنها همین است که «تفادوهم» به معنای فدیة دادن است نه فدیة گرفتن.

«مانسخ من آية أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها»^۳

هیچ آیه ای را منسوخ یا ترك نمی‌کنیم مگر آن که بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم. در این ترجمه «ما» نافیة گرفته شده و برای درست درآمدن ترجمه یک «ال» که در آیه وجود ندارد ترجمه گردیده است، حال آن که «ما» شرطیه است و «نسخ» هم مجزوم می‌باشد. بنابراین، ترجمه صحیح چنین است:

«هر آیه ای را که منسوخ یا ترك کنیم، بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم.»

«رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»^۴

پروردگارا، از میان اینان پیامبری برانگیز تا آیات تورا برایشان بخواند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد و آنها را پاکیزه سازد.

عجیب است که مترجمان با اتفاق، آیه فوق را همین گونه ترجمه کرده‌اند. در این ترجمه‌ها، کلمات «یتلوا»، «یعلّمهم» و «یزکّیهم» مجزوم خوانده شده و جواب امر «ابعث» قرار

داده شده است، در حالی که این کلمات در لفظ مرفوع اند و در موضع نصب قرار دارند تا صفت «رسولاً» باشند.

در کتابهای ادبی درباره مضارع مجزوم به «إن» قاعده ای مذکور است و آن آن که: اگر مضارع در جواب امر قرار گرفت، در صورتی که فعل امر مدخلیتی در تحقق مضارع داشته باشد، مضارع مجزوم می گردد، و اگر مدخلیت نداشت و یا مدخلیت داشت، ولی مورد نظر گوینده نبود، فعل مضارع مجزوم نمی گردد، مانند:

«قاتلوهم یعدّبهم الله باید کم ویخزهم وینصرکم علیهم ویشف صدور قوم مؤمنین ویدهب غیظ قلوبهم.»^۵

مشاهده می شود که این پنج فعل مضارع، مجزوم است، زیرا تقدیر جمله چنین است:

«ان تقاتلوهم یعدّبهم الله... ویخزهم وینصرکم و...»

ولی در آیه:

«فهب لی من لدنک ولیاً یرثنی ویرث آل یعقوب»^۶

«یرثنی» مرفوع آمده است، زیرا سبب بودن بخشیدن فرزند به آن حضرت، برای وارث بودن او مقصود گوینده نیست و بنا بر قراءت دیگری که «یرثنی» مجزوم خوانده شده برای آن است که سببیت منظور شده است. حال نظریه این که در آیه مورد بحث، افعال مضارع مرفوع آمده اند معلوم می شود که سببیت در کار نیست یا منظور نمی باشد. با توجه به بحث فوق، ترجمه صحیح چنین است:

«پروردگارا در میان اینان پیامبری که آیات تو را بر اینان می خواند و کتابشان می آموزد و پاکشان می سازد، برانگیز.»

بدیهی است که فرق است میان «برانگیز پیامبری تا بخواند» و «برانگیز پیامبری که می خواند.»

«قل بل ملة ابراهیم حنیفاً»^۷

بگو ما کیش یکتاپرستی ابراهیم را برگزیدیم.

در این جا «حنیفاً» حال برای «ملة» گرفته شده در صورتی که برای «ابراهیم» است و پاسخ از این اشکال که حال برای مضاف الیه نمی آید، در کتب تفسیری و ادبی آمده است. وانگهی، حال از آن جهت که نوعی وصف برای ذوالحال است، باید در تذکیر و تأنیث با آن مطابق باشد و در این صورت، باید «حنیفة» می بود. بنابراین، ترجمه صحیح چنین است:

«بلکه آیین ابراهیم پاک و معتدل و حق گرا را پیروی می کنیم.»

«وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ»^۸

و اگر روزه بدارید برایتان بهتر است.

«آن» ناصبه با «إن» شرطیه اشتباه شده است و ترجمه صحیح چنین است:

«وروزه داری برای شما بهتر است.»

«لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ...»^۹

نیکی آن نیست که روی خود به جانب مشرق و مغرب کنید.

این ترجمه براساس آن که «البر» مرفوع خوانده شود، صحیح می نماید و باتوجه به آن که البر در آیه شریفه منصوب آمده است. معلوم می شود که خبر «لیس» است و جمله «أَنْ تُولُّوا» اسم

آن است و در واقع «البر» مسندبه است نه مسند الیه. بنابراین، ترجمه صحیح چنین است:

«این که روی خود را به جانب مشرق و مغرب کنید نیکی [مطلوب و مورد نظر] نیست.»

ممکن است گفته شود فرقی میان دو جمله بالا نیست و مفهوم هر دو یکی است.

ولی باید توجه داشت که فرق وجود دارد. زیرا در باب اسم و خبر که هر دو معرفه باشند

قاعده آن است که هر کدام از آن دو که در نظر شنونده شناخته یا شناخته تر باشد، اسم قرار

گیرد و دیگری خبر و در آیه شریفه «البر» خبر قرار گرفته است و نمی توان آن را به جای اسم

قرار داد و از این جا معلوم می شود آنچه در نظر اهل کتاب مسلم بوده آن است که آنان قبله

خود را نیکی محض می دانسته اند و خداوند در ردّ بر آنان فرموده است که این کار شما نیکی

نیست. این فرق از مشاهده آیه ۱۸۹ همین سوره نیز دانسته می شود که در آن جا «البر» اسم

«لیس» قرار داده شده و جمله «أَنْ تَأْتُوا» خبر آن و از آن رو که بر خبر «لیس» باء زائده درمی آید،

«بأن تأتوا» فرموده است.

«فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ.»^{۱۰}

چون او و مؤمنانی که همراهش بودند از نهر گذشتند گفتند: امروز ما را توان جالوت

و سپاهیانش نیست.

ملاحظه می شود که در این ترجمه (متأسفانه در ترجمه های مشهور) سخن فوق از قول

طالوت (ع) و مؤمنان همراهش نقل شده است، در صورتی که این سخن مؤمنان ضعیف

الایمان بوده است .

توضیح آن که: همراهان طالوت(ع) به سه دسته تقسیم شدند:

۱ . کسانی که از آن نهر نوشیدند .

۲ . کسانی که مشتی اندک آب نوشیدند .

۳ . کسانی که هیچ نوشیدند که همان مؤمنان واقعی و پایدار بودند .

وقتی سپاه طالوت (مؤمنان واقعی که هرگز آب نخوردند و آنان که مشتی نوشیدند) از نهر

گذشتند و با جالوت روبه رو شدند، آنان که در این آزمایش مردود شده بودند گفتند:

«مارا توان هموردی با جالوت و سپاهیانست .»

و این نکته، از پاسخ مؤمنان واقعی در ادامه همین آیه دانسته می شود. بنابراین ترجمه

صحیح چنین است:

«چون او و مؤمنانی که همراهش بودند از نهر گذشتند [همراهان ضعیف الایمانش] گفتند: ...»

اینها مواردی است از سوره مبارکه بقره که در ترجمه آنها لغزشی رخ داده است. البته

این به معنای استقصا نیست، زیرا چه بسا مترجمان در ترجمه آیات دیگری از همین سوره

لغزیده باشند. ولی ذکر این موارد بدان دلیل است که جای شبهه و لغزش در آنها وجود دارد.

به خواست خدای متعال در شماره آینده لغزشهای ترجمه در سوره مبارکه آل عمران ذکر

خواهد شد.

- ۱ . گویند: طلبه فاضلی در حضور جمعی از بزرگان دین، مجلس سروری، قصیده ای سروده بود که ظاهر مضامین آن، زننده می نمود، ولی قابل توجیه ادبی بود. از جمله گفته بود:
- خداوندا تو رحمان و رحیمی
همی دانم که شیطان رجیمی!
- در پاسخ گفته بود: این جمله به حذف مضاف است، یعنی «خالق شیطان رجیمی!»
- ۲ . «سوره بقره»، آیه ۸۵ .
- ۳ . «همان سوره»، آیه ۱۰۶ .
- ۴ . «همان سوره»، آیه ۱۲۹ .
- ۵ . «سوره توبه»، آیه ۱۴ و ۱۵ .
- ۶ . «سوره مریم»، آیه ۵ و ۶ .
- ۷ . «سوره بقره»، آیه ۱۳۵ .
- ۸ . «همان سوره»، آیه ۱۸۴ .
- ۹ . «همان سوره»، آیه ۱۷۷ .
- ۱۰ . «همان سوره»، آیه ۲۴۹ .